

# نقش محیط خانواده در تبیین نشانگان درونی‌سازی و برونوی‌سازی نوجوانان

دکتر حمید پورشریفی<sup>۱</sup>

دکتر زینب خانجانی<sup>۲</sup>

دکتر جلیل باباپور خیرالدین<sup>۳</sup>

دکتر بهزاد شالچی<sup>۴</sup>

## چکیده

پژوهش حاضر با هدف تبیین نشانگان درونی‌سازی و برونوی‌سازی نوجوانان با توجه به محیط خانواده انجام شده است. در این مطالعه، ۱۶۴۷ نوجوان (۸۴۰ دختر و ۱۰۷ پسر) به روش نمونه گیری خوش ای چند مرحله ای به عنوان نمونه، انتخاب شدند. نوجوانان به منظور شرکت در پژوهش به دو مقیاس محیط خانواده و فرم خودسنجی نوجوان از فرمهای سن مدرسه براساس تجربه آنخبان، پاسخ دادند. برای تجزیه و تحلیل داده‌های بدست آمده، از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است. در سطح توصیفی شاخصهای متمایل به مرکز و پراکندگی و در سطح استنباطی آزمونهای ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه به کار برده شده است. یافته‌های حاصل از پژوهش حاضر نشانگر آن است که بسیاری از متغیرهای مربوط به محیط خانواده با نشانگان درونی‌سازی و برونوی‌سازی از روابطی معنادار برخوردار هستند. از ده متغیر محیط خانواده، شش متغیر با نشانگان درونی‌سازی و شش متغیر، با نشانگان برونوی‌سازی در ارتباط‌اند. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه در این پژوهش نشان می دهد که جنسیت هر دو نشانگان درونی و برونوی سازی را پیش‌بینی کرده و بیشتر مؤلفه‌های محیط خانواده به خوبی نشانگان درونی‌سازی و برونوی‌سازی را تبیین می کنند.

**کلید واژگان:** نوجوان، نشانگان درونی‌سازی، نشانگان برونوی‌سازی، محیط خانواده، جنسیت

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۰/۹ تاریخ پذیرش: ۹۳/۲/۳۰

۱. استادیار گروه روانشناسی دانشگاه تبریز

۲. استاد گروه روانشناسی دانشگاه تبریز

۳. استاد گروه روانشناسی دانشگاه تبریز

۴. استادیار گروه روانشناسی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان

behzadshalchi@yahoo.com

## مقدمه

نوجوانی دوره‌ای است که یک پنجم جمعیت مردم جهان در آن قرار دارند و ۸۵ درصد از این جمعیت ۱/۲ میلیاردی ساکن کشورهای در حال توسعه‌اند. سالانه یک میلیون نوجوان به علت حوادث، خودکشی، خشونت و عوارض مربوط به بیماریهای قابل پیشگیری و درمان جان خود را از دست می‌دهند. بر اساس برآورد سازمان جهانی بهداشت، علت ۷۰ درصد مرگها، رفتارهایی هستند که در نوجوانی ایجاد شده، اما قابل اصلاح‌اند. سالانه چهار میلیون نوجوان، دست به خودکشی می‌زنند که یک صد هزار مورد از آنها منجر به مرگ می‌گردد (پرویزی، احمدی و نیکبخت نصرآبادی، ۱۳۸۴).

سالانه هفت هزار نوجوان به ویروس ایدز آلوده می‌شوند. سازمان جهانی بهداشت در سال ۲۰۰۸ اعلام کرده است، ۴۵ درصد افراد آلوده به ویروس ایدز در بازه سنی ۱۵–۲۴ قرار دارند (رودرام - بروس<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۱). سیصد میلیون نوجوان سیگار می‌کشند که پانزده میلیون از آنان در سنین بزرگسالی به دلیل عوارض ناشی از استعمال سیگار فوت می‌کنند. در جهان غرب تا ۱۸ سالگی بیش از دو سوم نوجوانان الكل، تقریباً نصف آنها سیگار و بیش از یک سوم آنان مصرف ماری جوانا را تجربه می‌کنند (کلین جان و انگلس<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱). آمارهای نگران کننده، به بحران‌هایی اشاره دارند که به شدت با اختلالات عاطفی - رفتاری<sup>۳</sup> نوجوانان در ارتباط هستند.

نشانگان درونی‌سازی و برونی‌سازی<sup>۴</sup> دو سازه ابعادی تجربی هستند که در سنجش و توصیف اختلالات عاطفی - رفتاری کودکان و نوجوانان بسیار استفاده شده‌اند (دکویچ، بوست و ریتز<sup>۵</sup>، ۲۰۰۴). در مدل سنجش مبتنی بر تجربه چند محوری آخنباخ، نشانگان درونی‌سازی طبقه‌ای از مشکلات همایند را در بر می‌گیرد که معمولاً با ناراحتیهای درونی مشخص می‌شود، اما نشانگان برونی‌سازی مشکلاتی هستند که بیشترشان به تعارض با دیگران و آداب و رسوم اجتماع مربوط می‌شوند (آخنباخ و رسکورلا<sup>۶</sup>، ۲۰۰۱).

مشکلات برونی‌سازی اساساً شامل پرخاشگری و بزهکاری هستند، اما مشکلات درونی‌سازی دو مؤلفه اصلی اضطراب و افسردگی را در بر می‌گیرد. به معنای وسیع‌تر، مشکلات درونی‌سازی را می‌توان طبقه‌ای متشكل از افسردگی، اضطراب و گوشه‌گیری تعریف کرد (دکویچ، بوست و ریتز، ۲۰۰۴).

- 
1. Rotheram-Borus
  2. Kleinjan & Engels
  3. Affective and behavioral disorders
  4. Internalizing and externalizing syndromes
  5. Deković, Buist & Reitz
  6. Achenbach & Rescorla

۲۰۰۴). نشانگان بروونی‌سازی در بسیاری از منابع با رفتارهای مربوط به پرخاشگری، خرابکاری، بیش فعالی، ضد اجتماعی و بزهکاری توصیف شده‌اند (لیو<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴).

مفیت<sup>۲</sup> (۱۹۹۳) با مطالعه نمونه بزرگی در نیوزلند دریافت که ۹۳ درصد از افراد مذکور قبل از هیجده سالگی به برخی از انواع رفتار بزهکارانه پرداخته‌اند. درصد مشابهی نیز در میان نوجوانان ۱۲ تا هیجده ساله کانادایی به دست آمده است. به طوری که ۹۲/۸ درصد از نوجوانان مورد مطالعه در طول این سالها دستکم یک مورد از رفتارهای بزهکارانه را بروز داده‌اند (مارکوت، مارکوت و بوفارد<sup>۳</sup>، ۲۰۰۲). در ایالات متحده امریکا ۸۰ درصد از افراد مذکور قبل از بزرگسالی به دلایل جرایم کوچک با پلیس برخورد دارند و ۶۰ درصد از کودکان در دوران نوجوانی به برخی از انواع مشکلات رفتاری مبادرت می‌ورزند (ریتز و همکاران، ۲۰۰۵). ارقام بالای این آمارها ممکن است به معنای فراگیری وسیع این مشکل در میان کودکان و نوجوانان و به ویژه پسران باشد، اما برخی از پژوهشگران معتقدند این رفتارها نه تنها به هنجار هستند بلکه بخشی از تحول محسوب می‌شوند (مفیت، ۱۹۹۳).

در ایالات متحده آمریکا در حدود ۳۰-۴۰ درصد از نوجوانان افسردگی را تجربه می‌کنند و ۴-۳ درصد از آنها نشانگان افسردگی چندگانه را دارند. بخش کوچکی از نمونه در حدود ۲-۴ درصد نیز تشخیص افسردگی بالینی را دریافت می‌کنند (کامپس، ای و گرانت<sup>۴</sup>، ۱۹۹۳). شیوع اختلال افسردگی در دوران نوجوانی بر اساس تعریف نسخه تجدید نظر شده چهارمین ویرایش راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی<sup>۵</sup> در کانادا، ۱۰/۲ درصد برآورد شده است (گوین<sup>۶</sup> و همکاران، ۲۰۰۵).

در زمینه روانشناسی نوجوان، ادبیات پژوهشی پریاری وجود دارد، اما پیچیدگی مسائل نوجوانان در تعامل با دگرگوئیهای سریع اجتماعی و فرهنگی، نیازمند پژوهش‌های بیشتر در این زمینه است. تغییراتی که در دوره نوجوانی از نظر زیستی، اجتماعی و شناختی به وقوع می‌پیوندد، نشان می-دهد که این دوره بسیار آسیب‌پذیر است (ریتز، دکویچ و میر،<sup>۷</sup> ۲۰۰۵). افزایش اختلالات روانپزشکی و مشکلات رفتاری قبل از دوران بلوغ و بعد از آن نشانگر افزایش آسیب‌پذیری فرد در دوره نوجوانی است (زان - واکسلر، کلیمس دوگان و اسلاتری،<sup>۸</sup> ۲۰۰۰).

1. Liu

2. Moffitt

3. Marcotte, G., Marcotte, D. & Bouffard, T.

4. Compas, EY & Grant

5. Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders: Fourth Edition (DSM-IV)

6. Nguyen

7. Meijer

8. Zahn-Waxler, Klimes-Dougan & Slattery

کامیابی یا ناکامی نوجوان در فایق آمدن بر دشواریهای پیش روی، به عوامل بسیاری بستگی دارد که از آن جمله می‌توان به عوامل موجود در محیط خانواده اشاره کرد. دوره نوجوانی با بروز تغییرات چند سطحی گسترده‌ای که در نوجوان و محیط او به وقوع می‌پیوندد مشخص می‌شود. این تغییرات آشکارا سبب دگرگونی در تعاملات میان کودکان و اعضای خانواده آنها می‌شود. مستندات پژوهشی نشان می‌دهند، باوجود تحولاتی که در کودک و روابط خانوادگی او ایجاد می‌شود، روابط با خانواده و والدین همچنان از منابع با اهمیت اجتماعی و هیجانی در دوران بعد از کودکی پایدار باقی می‌مانند. طی سالهای آغازین نوجوانی، روابط با والدین و اعضای بزرگسال خانواده، دستخوش تغییر شکل‌هایی می‌شود که معمولاً به صورت کاهش تعاملات سلسله مراتبی در دوره نوجوانی تا بزرگسالی تبلور می‌یابد. این دوره زمانی است که فرد می‌تواند مسئولیتهای بیشتری را در زمینه مراقبت کردن از خود، انجام دادن تکاليف مدرسه و وظایف دیگر به عهده بگیرد. در این سنین افراد همچنین ظرفیت حمایت و یاری رسانی بیشتر نسبت به خانواده، ایفای نقش سرپرستی نسبت به خواهران و برادران کوچک‌تر یا انجام کارهایی را به دست می‌آورند که معمولاً بزرگسالان انجام می‌دهند (کاکس، وانگ و گاستافسون<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱).

شناخت تحول نوجوان در درون خانواده موضوعی پیچیده است. اگرچه روابط نوجوان با والدین خود در شکل‌گیری تحول او اهمیتی انکارناپذیر دارد، اما ویژگیهای نوجوان بخشی از آن چیزی است که روابط مذکور را تعیین می‌کند. نوجوان در روابط خانوادگی خود هم اثرگذار و هم اثربازی است. خانواده چیزی بیشتر از کنش متقابل نوجوان با والدینش است. والدین تحت تأثیر روابط خود با همدیگر و روابط با اهمیتی قرار می‌گیرند که در زندگی خود با دیگران برقرار می‌کنند. کیفیت والدگری همچنین از بافت‌های گسترده‌تر از خانواده از جمله، همسایگان، فرهنگ و عوامل اجتماعی - جمعیت شناختی تأثیر می‌پذیرد. با وجود این می‌دانیم که روابط نوجوان درون خانواده نقشی اساسی در عملکرد و تحول آنها ایفا می‌کند. روابط والدینی و دیگر روابط خانوادگی تأثیرات ژرف بر بهزیستی و روابط نوجوان در خارج از محیط خانواده می‌گذارد (کاکس، وانگ و گاستافسون، ۲۰۱۱).

تفاوت‌های فرهنگی و بافتاری در شکل دهی روابط خانواده و تجاری که بر کیفیت تحول در این دوره و دوره‌های بعدی تأثیر می‌گذارند، نیز اهمیت دارند. ادبیات پژوهش نشانگر آن است، روابطی که نوجوانان با خانواده‌های خود تجربه می‌کنند، برای روابطی که آنها در حال حاضر و در

1. Cox, Wang & Gustafsson

آینده با دوستان، همسالان، مریبان، همسر و سایر بزرگسالان خواهند داشت، از تبعات مهمی برخوردار بوده و بر سلامت روانی فردی، سازگاری روانشناختی، عملکرد تحصیلی، انتخاب و کامپیوتبولی شغلی آنان تأثیر خواهد گذاشت (کاکس، وانگ و گاستافسون، ۲۰۱۱).

پژوهش‌هایی که عوامل مرتبط با آسیب‌شناسی رفتاری نوجوانان را مورد بررسی قرار داده اند، غالباً در چارچوب رویکرد تحولی تبادلی - بوم شناختی<sup>۱</sup> به شناسایی عوامل محافظت کننده و خطرساز در زمینه بافت‌های چندگانه‌ای پرداخته‌اند که بر مسیرهای تحولی نوجوانان تأثیر می‌گذارند. مدل تحولی تبادلی - بوم شناختی را سامروف<sup>۲</sup>، بر مبنای کار برون فنبرنر<sup>۳</sup> (مدل تحول بوم شناختی<sup>۴</sup>) و حوزه‌های مطالعاتی زیست شناختی و جامعه شناختی، مطرح کرده است (کارلسون و اسروف، ۱۹۹۵؛ به نقل از وُر پلاچر، ۲۰۰۸).

مدل تحول سامروف بر عوامل بافتاری گوناگونی تمرکز دارد که مسیرهای تحولی پیش روی نوجوانان را تحت تأثیر قرار می‌دهند و این عوامل را در سه سطح بافتاری اصلی، یعنی ژنتیک<sup>۵</sup>، فنوتیپ<sup>۶</sup> و عوامل محیطی<sup>۷</sup> طبقه‌بندی می‌کند. ژنتیک به ویژگیهای زیست‌شناختی افراد مربوط می‌شود، در حالی که عوامل محیطی در برگیرنده عوامل بیرونی چندگانه‌ای مانند بافت‌های خانواده، همسالان و مدرسه است. در این مدل، فنوتیپ یا بازنمایی فعال خود، مانند یک میانجی عمل می‌کند. فنوتیپ در هر نقطه از زمان ژنتیک و عوامل محیطی را به هم پیوند می‌دهد. در نتیجه، عوامل بافتاری مذکور در طول زمان پیوسته با یکدیگر در تعامل بوده و بر تحول افراد اثر می‌گذارند (وُر پلاچر، ۲۰۰۸).

مدل تحولی تبادلی - بوم شناختی اسپریوف نشانگر آن است که عوامل بافتاری مانند ویژگیهای فردی یا عوامل خانوادگی بر اساس تأثیر مثبت یا منفی خود، فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهند. میزان این عوامل و تعامل میان آنها (نه فقط صرفاً وجود آنها) ممکن است تبعات تحولی مثبت یا منفی داشته باشد. در مورد رفتارهای بروونی‌سازی و درونی‌سازی، مدل تحولی تبادلی - بوم شناختی بیانگر آن است که عوامل بافتاری سبب افزایش یا کاهش احتمال بروز رفتارهای مذکور می‌شوند (وُر پلاچر، ۲۰۰۸).

- 
1. Transactional-ecological development model
  2. Sameroff
  3. Bronfenbrenner
  4. Ecological development model
  5. Carlson & Sroufe
  6. Woehr Pletcher
  7. Genotype
  8. Phenotype
  9. Environtype

موس<sup>۱</sup> در نظریه بوم‌شناسخی اجتماعی خود سه جنبه یا حوزه برای یک محیط اجتماعی درنظر می‌گیرد. او معتقد است در یک مجموعه اجتماعی سه جنبه رشد و توسعه شخصی<sup>۲</sup>، کیفیت روابط میان- فردی<sup>۳</sup> و بقا یا تغییر سیستم<sup>۴</sup> قابل تشخیص‌اند (سینگ، میترا و آپادهای<sup>۵</sup>، ۲۰۱۰). جو خانواده، فضای بین فردی اجتماعی و ضروری خانواده است که مانند چتری روابط اعضای آن را در بر می‌گیرد. موس (۱۹۷۴، ۱۹۸۱، ۱۹۸۶؛ به نقل از سوشر<sup>۶</sup> و همکاران، ۲۰۰۷) در ابزاری که برای سنجش محیط خانواده ساخته است، آن را مشتمل بر سه بخش مذکور قلمداد کرده است. از نظر موس خانواده‌ها از نظر جو خانوادگی حاکم بر آنها با یکدیگر تفاوت دارند. از این دیدگاه می‌توان میزان سلامت نوجوانان را نیز بر اساس فضایی که در خانواده تجربه می‌کنند، متفاوت تلقی کرد.

پژوهشها نشان می‌دهند که محیط خانواده با مشکلات روانی - اجتماعی و سازگاری رفتاری در دوره نوجوانی ارتباط کامل دارد. کیفیت تعامل نوجوان - والدین، یکی از راههایی است که نوجوانان خود را در ارتباط با دیگران، نگرشها و رفتارهای آنان تصور می‌کنند. محیط خانواده نامطلوب، که با ویژگیهای مانند برخورداری از سطوح بالای تعارض خانوادگی، فقر ارتباطی یا ارتباط منفی با والدین و کمبود حمایت والدین، مشخص می‌شود، از تأثیرات منفی و عمیقی بر رشد مهارت‌های اجتماعی خاص در کودکان مانند توانایی شناسایی راه حل‌های غیر پرخاشگرانه در برابر مشکلات میان- فردی یا خود را به جای دیگری گذاشت، برخوردار است (استوز لوپز و همکاران<sup>۷</sup>، ۲۰۰۸).

چنانکه پالی، کانجر و هارولد<sup>۸</sup> (۲۰۰۰) به این باورند که کودکان نخستین روابط اجتماعی خود را با نگاره‌های والدینی و طبیعت آنها برقرار می‌سازند. روابط کودکان و بافتی که در آن به سر می‌برند، مهارت‌های اجتماعی و روابط اجتماعی آنان را با دیگران در آینده تعیین می‌کنند.

هنری، ساگر و پلانکت<sup>۹</sup> (۱۹۹۶) دریافته اند، نوجوانانی که والدین آنها در حل مشکلات از استدلالهای مثبت بهره می‌گیرند و خانواده‌های خود را از نظر انسجام در سطحی بالا توصیف می- کنند، هنگامی که سعی می‌کنند حالت هیجانی یا احساسات فرد دیگر را درک کنند، سطوح بالاتر

- 
1. Moos
  2. Personal growth
  3. Quality of interpersonal relationships
  4. System maintenance
  5. Singh, Mitra, & Upadhyay
  6. Saucier
  7. Estevez Lopez et al.
  8. Paley, Conger & Harold
  9. Henry, Sager & Plunkett

دیدگاه‌گیری را گزارش می‌دهند. تحقیقات اخیر نشانگر آن است که عوامل خطرساز خانوادگی مانند انسجام عاطفی ضعیف و حمایت والدینی کم، در دختران بیش از پسران با رفتارهای پرخاشگرانه ارتباط دارد (Blum, Airlund و Blum<sup>1</sup>, ۲۰۰۳).

ژانگ، لی و زو<sup>2</sup> (۲۰۱۱) در مطالعه‌ای با عنوان تحریف شناختی، شخصیت نوع D، محیط خانواده و افسردگی در میان نوجوانان چینی دریافتند، نوجوانان افسرده بیشتر از افراد گروه کنترل دارای تحریفات شناختی، نشانگان شخصیت نوع D و محیط خانواده نامناسب هستند. این پژوهشگران نشان داده اند، پایین بودن میزان خوش بینی، عاطفه ورزی منفی و انسجام خانوادگی ضعیف خطر ابتلای نوجوانان را به افسردگی افزایش می‌دهد.

پژوهش حاضر با توجه به اهمیت چند جانبه اختلالات عاطفی - رفتاری نوجوانان و نقش بسزای محیط خانواده در نحوه گذaran دوره مخاطره آمیز نوجوانی، شکل گرفته است. در این پژوهش به تحلیل ارتباط متغیرهای مربوط به محیط خانواده و جنسیت به عنوان عواملی برای پیش بینی نشانگان درونی‌سازی و برونی‌سازی نوجوانان پرداخته شده است.

### روش پژوهش

مطالعه حاضر با توجه به نحوه گردآوری داده‌ها از نوع تحقیقات همبستگی است و با توجه به هدف در زمرة پژوهش‌های بنیادی قرار دارد. این پژوهش از نظر زیر بنای نظری در ردیف پژوهش‌های کمی قرار می‌گیرد.

### جامعه و نمونه آماری، روش نمونه‌گیری و حجم نمونه

جامعه آماری پژوهش حاضر، دانش آموزان ۱۸-۱۵ ساله شهر تبریز هستند که از میان آنها با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشبای چند مرحله‌ای<sup>3</sup>، نمونه‌ای به حجم ۱۶۴۷ نفر (۸۴۰ دختر و ۸۰۷ پسر) انتخاب شده و مورد مطالعه قرار گرفته است. برای دستیابی به نمونه مورد نظر ابتدا میان نواحی پنجگانه آموزش و پرورش شهر تبریز قرعه‌کشی به عمل آمده و یک ناحیه (ناحیه ۳) انتخاب شده است. سپس با انتخاب تصادفی دیبرستانهای مورد نیاز که ۲۳ دیبرستان بود، دانش آموزان آن مدارس در پژوهش حاضر شرکت داده شده‌اند. در مجموع از تعداد ۱۹۰۰ پرسشنامه اجرا شده، پس از حذف پرسشنامه‌های ناقص و فاقد اعتبار ۱۶۴۷ پرسشنامه برای تحلیل نهایی انتخاب شده است.

1. Blum, Ireland & Blum

2. Zhang, Li & Zou

3. Multi-stage cluster sampling method

## ابزارهای گردآوری اطلاعات

در پژوهش حاضر برای سنجش مشکلات بروني‌سازی و درونی‌سازی از فرم فارسي پرسشنامه خودستنجي نوجوان<sup>۱</sup> در نظام سنجش براساس تجربه آخباخ<sup>۲</sup> که مينائي (۱۳۸۵) آن را برای جامعه ايراني اطباق و هنجاريابي كرده، استفاده شده است. اين فرم را كه برای افراد ۱۱-۱۸ ساله است، دانش آموزان نوجوان تكميل می‌کنند. پاسخ‌دهنده ابتدا به سؤالاتي درباره شايستگيها، ناتوانيهها و بيماريهاي خود پاسخ مي‌دهد و سپس، مشکلات هيچاني، رفتاري و اجتماعي وي با ۱۱۳ سؤال سه گزينه اي مورد ارزياي قرار مي‌گيرد. نوجوان در اين قسمت بر اساس وضعیت شش ماه قبل خود، هر سؤال را به صورت = نادرست، ۱ = تا حدی يا گاهی درست، و ۲ = کاملاً يا غالباً درست، درجه‌بندی مي‌کند. فرم YSR شامل هشت مقیاس گوشه گیری، اضطراب/ افسردگی، شکایات جسمانی، مشکلات اجتماعی، مشکلات توجه، مشکلات تفکر، رفتارهای بزهکارانه و رفتارهای پرخاشگرایانه است که دو بعد کلی مشکلات بروني‌سازی و درونی‌سازی نيز به سبب ترکيب مقیاسهای ياد شده ارزیابی می‌شوند.

مينائي برای بررسی همسانی درونی مقیاسهای مربوط به درونی‌سازی و بروني‌سازی با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ، به ضرایب ۰/۸۸ برای بروني‌سازی و ۰/۸۷ برای درونی‌سازی دست یافته است. اين پژوهشگر همچنین روایی افتراقی و ثبات زمانی پرسشنامه خودستنجي نوجوان را بسیار رضایت بخش گزارش کرده است.

محیط خانواده در این پژوهش با بهره‌گیری از مقیاس محیط خانواده<sup>۳</sup> که موس و موس در سال ۱۹۸۱ آن را ساخته و مشتمل بر ۹۰ سؤال است، اندازه گیری شده است. این مقیاس که به زبانهای گوناگون ترجمه شده و در کشورهای متفاوت اجرا شده است، ویژگیهای محیطی - اجتماعی همه نوع خانواده را مورد سنجش قرار می‌دهد. مقیاس محیط خانواده در آخرین ویرایش خود، شامل ده خرده مقیاس انسجام<sup>۴</sup>، بیانگری<sup>۵</sup>، تعارض<sup>۶</sup>، استقلال<sup>۷</sup>، پیشرفت مداری<sup>۸</sup>، عقلانی<sup>۹</sup> - فرهنگی مداری<sup>۹</sup>، پرتکاپویی - تغريحي مداري<sup>۱۰</sup>، اخلاقی - مذهبی مداري<sup>۱۱</sup>، سازماندهی<sup>۱۲</sup> و

1. Youth Self-Report (YSR)

2. Achenbach's ASEBA school-age forms (ASEBA)

3. Family Environment Scale (FES)

4. Cohesion

5. Expression

6. Conflict

7. Independence

8. Achievement orientation

9. Intellectual-cultural orientation

10. Active-recreational orientation

11. Moral-Religious Emphasis

12. Organization

کنترل<sup>۱</sup> است. از مجموع خرده مقیاسهای مذکور نمرات سه بعد اصلی رشد و توسعه شخصی، کیفیت روابط میان-فردی، و بقا یا تغییر سیستم خانواده حاصل می‌شود. همسانی درونی مقیاس محیط خانواده در پژوهش سینگ و همکاران (۲۰۱۰) برای خرده آزمونهای این مقیاس با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ رضایت بخش گزارش شده است. ضرایب آلفای خرده مقیاسهای محیط خانواده میان ضرایب متوسط برای استقلال و پیشرفت مداری به ترتیب  $0.61$  و  $0.64$  و ضرایب بالا برای انسجام، اخلاقی - مذهبی مداری، عقلانی - فرهنگی مداری به میزان  $0.78$  و سازماندهی به مقدار  $0.76$  به دست آمده است. مقیاس محیط خانواده در ایران نیز بسیار پرکاربرد است و در دو حوزه خانواده درمانی و پژوهش به تکرار مورد استفاده قرار می‌گیرد. به عنوان مثال مشتق بیدختی، یکه یزدان دوست، بیرشک و شوتنفلد<sup>۲</sup> (۲۰۰۶) با بررسی مختصات فنی این مقیاس، آلفای کرونباخ آن را  $0.84$  به دست آوردند.

### یافته‌ها

شاخصهای توصیفی نمرات نوجوانان در متغیرهای مطالعه شده، به تفکیک جنسیت آنها، بر اساس میانگین و انحراف استاندارد، در جداول شماره ۱ و ۲ خلاصه شده است.

جدول شماره ۱. اطلاعات توصیفی مربوط به نشانگان درونی‌سازی و برونوی‌سازی نوجوانان

متغیر	کل (تعداد = ۱۶۴۷)			دختر (تعداد = ۸۴۰)			پسر (تعداد = ۸۰۷)		
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین
اضطراب/ افسردگی	۸/۲۹	۷/۴۹	۴/۳۹	۹/۰۶	۴/۳۰	۴/۳۹	۷/۴۹	۴/۳۹	۴
گوشه‌گیری/ افسردگی	۵/۱۹	۵	۲/۸۴	۵/۳۸	۲/۸۱	۲/۸۴	۵/۹۲	۲/۸۴	۲/۷
شکایات جسمانی	۳/۳۱	۳/۶۹	۳	۳/۶۹	۲/۹۷	۳	۲/۹۲	۳/۶۹	۲/۸
رفار قانون شکنی	۵/۱۲	۴/۱۸	۴/۱۸	۳/۸۹	۴/۱۸	۴/۱۸	۶/۰۹	۴/۱۸	۴/۱۱
رفتار پرخاشگری	۸/۶۲	۸/۹۳	۵	۸/۹۳	۴/۹	۴/۹	۸/۳	۸/۹۳	۵/۱
نشانگان درونی‌سازی	۱۶/۸	۸/۳۴	۱۸/۱۳	۱۸/۱۳	۸/۴۹	۱۵/۴	۱۵/۴	۸/۴۹	۷/۹
نشانگان برونوی‌سازی	۱۳/۷۴	۷/۹۶	۱۳/۱	۷/۴۶	۱۴/۴	۱۴/۴	۷/۴	۷/۴۶	۷/۴

همان گونه که در جدول شماره ۱ ملاحظه می‌شود میان آزمودنیهای دختر و پسر در نشانگان درونی‌سازی و برونوی‌سازی و مؤلفه‌های آنها تفاوت آشکار وجود دارد. به استناد نتایج آزمون t دختران نسبت به پسران میزان بالاتری از اضطراب/ افسردگی ( $t=7/54$  و  $P=0/000$ )، گوشه‌گیری/ افسردگی ( $t=2/77$  و  $P=0/006$ )، شکایات جسمانی ( $t=5/33$  و  $P=0/000$ ) و پرخاشگری ( $t=2/52$  و  $P=0/012$ ) را نشان داده‌اند.

1. Control  
2. Schottenfeld

جدول شماره ۲. اطلاعات توصیفی مربوط به مؤلفه‌های محیط خانواده در نوجوانان

متغیر	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	پسر (تعداد = ۸۷)	دختر (تعداد = ۸۴)	کل (تعداد = ۱۶۴۷)
انسجام	۵/۷۶	۱/۷۴	۵/۸۳	۱/۷	۵/۸۰	۱/۶۸	۴/۴۵	۱/۶۸
بیانگری	۴/۴۵	۱/۵۸	۴/۷۲	۱/۵	۴/۵۹	۱/۴۷	۵/۶۸	۱/۸۷
تعارض	۵/۶۸	۱/۷۱	۵/۸۳	۱/۸	۵/۷۵	۱/۵۱	۴/۵۸	۱/۵۱
استقلال	۴/۵۸	۱/۴۴	۴/۷۸	۱/۵۰	۴/۷۰	۱/۴۸	۶/۶۳	۱/۴۸
پیشرفت مداری	۶/۶۳	۱/۵۳	۶/۶۵	۱/۵۱	۶/۶۴	۱/۵۵	۴/۶۶	۱/۵۵
عقلانی - فرهنگی مداری	۴/۶۶	۱/۶۴	۴/۷۶	۱/۶	۴/۷۱	۱/۰۲	۴/۴۵	۱/۰۲
پر نکاپویی - تفریحی مداری	۴/۴۵	۲/۱۲	۴/۶۴	۲/۱	۴/۵۵	۱/۶۱	۵/۷۲	۱/۶۱
اخلاقی - مذهبی مداری	۵/۷۲	۱/۶۳	۵/۵۴	۱/۶۳	۵/۶۳	۲/۱۵	۵/۶۹	۲/۱۵
سازمان دهنی	۵/۶۹	۲/۲۳	۵/۷۲	۲/۲	۵/۷۰	۱/۵۶	۵/۲۵	۱/۵۶
کترل	۵/۲۵	۱/۶۲	۴/۷۳	۱/۶۱	۴/۹۹			

پسران نسبت به دختران در رفتار قانون شکنی ( $t=-10/24$  و  $P=0/000$ ) نمرات بالاتری کسب کردند. در کل دختران از نظر نشانگان درونی سازی ( $t=6/73$  و  $P=0/000$ ) و پسران از نظر میزان نشانگان برونوی سازی ( $t=-4/04$  و  $P=0/000$ ) نمرات بالاتری کسب کرده‌اند. بر اساس اطلاعات جدول شماره ۲، دختران و پسران به جز در مؤلفه‌های بیانگری ( $t=3/55$  و  $P=0/000$ )، استقلال ( $t=2/78$  و  $P=0/005$ )، اخلاقی - مذهبی مداری ( $t=-2/17$  و  $P=0/030$ ) و کترل ( $t=-6/56$  و  $P=0/000$ ) تفاوتی معنادار از نظر میانگین نمرات در محیط خانواده ندارند.

نقش محیط خانواده در تبیین نشانگان ...

۱۰۱

جدول شماره ۳. ماتریس ضرایب همبستگی میان نمرات نشانگان بروونی سازی و درونی سازی و مؤلفه‌های محیط خانواده

۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	منفی
۱. انسجام																	
۲. پیونگری	۰/۱۱*																
۳. مقابض		۰/۰۴*															
۴. استقلال			۰/۰۸*														
۵. پیشرفت				۰/۰۴*													
۶. مداری					۰/۰۱*												
۷. پژوهشگری / فنیکی مداری						۰/۰۲*											
۸. فرهنگی مداری / اخلاقی -							۰/۰۳*										
۹. فلسفی مداری								۰/۰۴*									
۱۰. کنترل									۰/۰۵*								
۱۱. اضطراب / افسردگی										۰/۰۴*							
۱۲. افسردگی / فکری											۰/۰۴*						
۱۳. شکایات												۰/۰۱*					
۱۴. حسماق													۰/۰۱*				
۱۵. رفتار														۰/۰۰۲*			
۱۶. رفتارگران															۰/۰۰۲*		
۱۷. نشانگان																۰/۰۰۱*	
۱۸. درونی سازی																	۰/۰۰۱*
۱۹. نشانگان																	۰/۰۰۱*



جدول شماره ۳ نتایج حاصل از محاسبه ضرایب همبستگی پیرسون میان مؤلفه‌های محیط خانواده و نشانگان درونی‌سازی و برونوی‌سازی نوجوانان را نشان می‌دهد. به طوری که از میان ۱۰ خرده مقیاس محیط خانواده، دو خرده مقیاس انسجام و سازماندهی ( $r=-0.22$  و  $r=0.01$ ) با نشانگان اضطراب/افسردگی به طور مساوی قوی‌ترین ارتباط را دارند. گوشه‌گیری/افسردگی قوی‌ترین رابطه را با پرتكاپویی/تفريحی مداری ( $r=-0.23$  و  $r=0.01$ ) نشان می‌دهد. شکایات جسمانی از میان ۱۰ خرده مقیاس بالاترین ارتباط را با سازماندهی ( $r=-0.19$  و  $r=0.01$ ) دارد. رفتار قانون‌شکنی و پرخاشگری هر دو مانند شکایات جسمانی قوی‌ترین ضریب همبستگی را با سازماندهی نشان می‌دهند که شدت این روابط به ترتیب  $r=-0.32$  و  $r=-0.32$  است. در مجموع ضرایب همبستگی نشانگر آن است که میان سازماندهی و نشانگان درونی‌سازی ( $r=-0.25$  و  $r=0.01$ ) و برونوی‌سازی ( $r=-0.35$  و  $r=0.01$ ) بیش از سایر خرده مقیاس‌های محیط خانواده رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۴ ضرایب همبستگی مؤلفه‌های محیط خانواده با نشانگان درونی‌سازی و برونوی‌سازی را به تفکیک جنسیت نشان می‌دهد. در دختران نشانگان درونی‌سازی قوی‌ترین ارتباط را با انسجام ( $r=-0.26$  و  $r=0.01$ ) و در پسران با سازماندهی ( $r=-0.32$  و  $r=0.01$ ) دارد. نشانگان برونوی‌سازی در دختران و پسران هر دو با سازماندهی بیشترین میزان همبستگی را نشان می‌دهند که مقادیر آن به ترتیب  $r=-0.32$  و  $r=-0.38$  به دست آمده است.

جدول شماره ۵ نتایج پیش‌بینی میزان نشانگان درونی‌سازی بر اساس مؤلفه‌های محیط خانواده و جنسیت به روش مرحله‌ای

ضرایب رگرسیون							P	F	RS	MR	شاخصهای آماری متغیر وارد شده	مدل	
v	۶	۵	۴	۳	۲	۱							
							$\beta = -0.15$ $T = -0.94$ $P = .000$		۱۱۰/۱	۰/۰۶۳	۰/۲۵	سازمان‌دهی	۱
							$\beta = -0.16$ $T = -0.95$ $P = .000$		۸۱/۰	۰/۰۹۰	۰/۳۰	جنسیت	۲
							$\beta = -0.15$ $T = -0.94$ $P = .000$		۶۸/۳	۰/۱۱۱	۰/۳۳	تعارض	۳
							$\beta = -0.17$ $T = -0.94$ $P = .000$		۵۷/۲	۰/۱۲۴	۰/۳۵	پرتكاپویی / تفريحی مداری	۴
							$\beta = -0.15$ $T = -0.95$ $P = .000$		۴۹/۰	۰/۱۳۱	۰/۳۶۲	انسجام	۵
							$\beta = -0.16$ $T = -0.94$ $P = .000$		۴۲	۰/۱۳۳	۰/۳۶۵	بیشترفت مداری	۶
$\beta = 0.058$ $T = ۰.۴۰$ $P = .000$	$\beta = -0.06$ $T = -0.44$ $P = .000$	$\beta = -0.09$ $T = -0.71$ $P = .000$	$\beta = -0.11$ $T = -0.71$ $P = .000$	$\beta = -0.14$ $T = -0.96$ $P = .000$	$\beta = -0.17$ $T = -0.95$ $P = .000$	$\beta = -0.18$ $T = -0.95$ $P = .000$			۳۶/۹	۰/۱۳۶	۰/۳۷	کنترل	۷

در جدول شماره ۵ نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیری برای تبیین نشانگان درونی‌سازی بر حسب مؤلفه‌های محیط خانواده و جنسیت به روش مرحله‌ای آمده است. نتایج نشان می‌دهند، از ۱۱ متغیری که به عنوان متغیرهای پیش‌بین وارد معادله رگرسیون شده‌اند، هفت متغیر سازماندهی ( $\beta = -0.16$ ), ( $\beta = -0.25$ ), جنسیت ( $\beta = -0.10$ ), حل تعارض ( $\beta = -0.15$ ), پرتكاپویی / تفریحی مداری ( $\beta = -0.05$ ), پیشرفت مداری ( $\beta = -0.05$ ), و کترل ( $\beta = -0.058$ ) نشانگان درونی‌سازی را پیش‌بینی می‌کنند. رابطه هفت متغیر پیش‌بین مذکور با نشانگان درونی‌سازی معنادار به دست آمده و در مجموع ۰/۱۳۶ از واریانس نشانگان درونی‌سازی به واسطه آنها تبیین می‌شود ( $R^2 = 0.136$ ).

جدول شماره ۶. نتایج پیش‌بینی میزان نشانگان برونوی‌سازی بر مبنای مؤلفه‌های محیط خانواده و جنسیت به روش مرحله‌ای

فراید رگرسیون							P	F	RS	MR	شاخصهای آماری متغیر وارد شده	مدل	
V	۶	۵	۴	۳	۲	۱							
							$\beta = -0.35$ $T = -10.42$ $P = <0.001$	0.000	2255	0.121	0.347	سازمان دهنی	۱
							$\beta = -0.11$ $T = -8.53$ $P = <0.001$	0.000	154	0.158	0.397	تعارض	۲
							$\beta = -0.18$ $T = 7.87$ $P = <0.001$	0.000	1078	0.164	0.406	پرتكاپویی / تفریحی مداری	۳
							$\beta = -0.12$ $T = -8.8$ $P = <0.001$	0.000	861	0.173	0.417	انسجام	۴
							$\beta = -0.12$ $T = -8.7$ $P = <0.001$	0.000	715	0.179	0.423	جنسیت	۵
							$\beta = -0.14$ $T = 7.7$ $P = <0.001$	0.000	613	0.183	0.428	اخلاقی - مذهبی مداری	۶
$\beta = 0.07$ $T = 7.9$ $P = <0.001$	$\beta = -0.18$ $T = -7.1$ $P = <0.001$	$\beta = -0.18$ $T = -7.3$ $P = <0.001$	$\beta = -0.18$ $T = -7.3$ $P = <0.001$	$\beta = -0.18$ $T = -7.3$ $P = <0.001$	$\beta = -0.12$ $T = -6.9$ $P = <0.001$	$\beta = -0.12$ $T = -6.9$ $P = <0.001$	0.000	578	0.187	0.432	بیانگری	۷	

جدول شماره ۶ به تحلیل رگرسیون چند متغیری برای پیش‌بینی نشانگان برونوی‌سازی بر اساس ابعاد محیط خانواده و جنسیت به روش مرحله‌ای می‌پردازد. نتایج آن نشان می‌دهد، هفت متغیر سازماندهی ( $\beta = -0.35$ ), تعارض ( $\beta = -0.21$ ), پرتكاپویی / تفریح مداری ( $\beta = 0.08$ ), انسجام ( $\beta = 0.07$ ), جنسیت ( $\beta = 0.07$ ), اخلاقی - مذهبی مداری ( $\beta = 0.06$ )، و بیانگری ( $\beta = 0.06$ )، جنسیت ( $\beta = 0.07$ ), اخلاقی - مذهبی مداری ( $\beta = 0.07$ )، نشانگان برونوی‌سازی را پیش‌بینی می‌کنند. رابطه هفت متغیر پیش‌بین مذکور با نشانگان برونوی‌سازی معنادار به دست آمده و در مجموع ۰/۱۸۷ از واریانس نشانگان برونوی‌سازی به واسطه آنها تبیین می‌شود ( $R^2 = 0.187$ ).

## بحث و نتیجه گیری

نوجوانی دوره‌ای بسیار حساس در زندگی انسان است که اگر به سلامت سپری شود، نویبدخش دورانی سازنده در بزرگسالی خواهد بود. تحولات گستردگی که در دوره نوجوانی پیش می‌آید، به نوعی ساختار وجودی فرد را برای گذار از کودکی به بزرگسالی آماده می‌سازد. این تحولات بهنجار بنا بر شرایط گوناگون ممکن است آثار نامطلوبی نیز بر روح و روان نوجوان به جای بگذارد که در این میان محیط خانواده نقش محافظتی ویژه‌ای ایفا می‌کند. محیط خانواده نه تنها به خودی خود مسکنی بی نظیر در تسکین آلام انسان و اولین جایگاه رشد و بالندگی او محسوب می‌شود، بلکه به سبب ارتباط آن با دیگر محیط‌ها، مانند گروههای دوستان و همسالان، بر فرد تأثیر می‌گذارد. افراد در این محیط‌ها با تأثیر گذاری و تأثیرپذیری از یکدیگر به هم آفرینی در ایجاد محیطی مشترک می‌پردازند. به خلاف گروههای یاد شده، خانواده دارای موقعیتی خاص است که در آن اعضا از کنشی متقابل در برابر یکدیگر برخوردارند، اما نوع این تعاملات بسیار قوی‌تر و پایدارتر از آن است که اعضا با افراد خارج از خانواده برقرار می‌سازند (سوشر، ویلسون و وارکا، ۲۰۰۷). پژوهش حاضر با توجه به اهمیت محیط خانواده در شکل‌گیری شخصیت بهنجار و نابهنجار، به تبیین روابط عناصر مهم خانواده با میزان نشانگان برونوی‌سازی و درونی‌سازی در نوجوانان می‌پردازد.

یافته‌های حاصل از این پژوهش نشانگر روابط معنادار بیشتر مؤلفه‌های محیط خانواده با نشانگان درونی‌سازی و برونوی‌سازی در نوجوانان است. این یافته‌ها بر اساس نظریه سامروف و موس قابل تبیین هستند و در راستای پژوهش‌های مرتبط با خانواده و آسیبهای روانی نوجوانان قرار دارند (به عنوان مثال: استوز و همکاران، ۲۰۰۸؛ پالی، کانجر و هارولد، ۲۰۰۰؛ هنری، ساگر و پلانکت، ۱۹۹۶؛ بلوم، ایرلند و بلوم، ۲۰۰۳؛ ژانگ، لی و زو، ۲۰۱۱).

نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیری برای تبیین نشانگان درونی‌سازی بر اساس مؤلفه‌های محیط خانواده و جنسیت، نشان می‌دهند که از ۱۱ متغیر پیش‌بین که وارد معادله رگرسیون شده‌اند، هفت متغیر سازماندهی، جنسیت، حل تعارض، پرتکاپویی / تفريحی مداری، انسجام، پیشرفت‌مداری و کنترل، نشانگان درونی‌سازی را پیش‌بینی می‌کنند. همچنین از ۱۱ متغیر پیش‌بین، هفت متغیر سازماندهی، حل تعارض، پرتکاپویی / تفريحی مداری، انسجام، جنسیت، اخلاقی - مذهبی مداری و بیانگری، نشانگان برونوی‌سازی را پیش‌بینی می‌کنند.

نشانگان درونی‌سازی و بروني‌سازی هر دو با سازماندهی، تعارض و انسجام بیشترین میزان همبستگی را نشان داده‌اند. ارتباط هر سه مؤلفه مذکور با بروني سازی بیشتر از درونی‌سازی است. به طوری که هم از نظر منطقی و هم از بعد تجربی، سازماندهی و انسجام در خانواده با بسیاری از آسیبهای روانی رابطه معکوس دارد، که این ارتباط درباره نوجوانان با توجه به شرایط سنی آنها از اهمیت بیشتر برخوردار است. در خانواده‌هایی که سازماندهی مطلوبی دارند، فضای سرشار از برنامه‌ریزیهای مطلوب، تقسیم کار عادلانه، دخل و خرج منطقی و نظم و ترتیب متداول را تجربه می‌کنند. فرزندانی که در چنین محیط‌هایی پرورش می‌یابند افرادی مسئولیت‌پذیر، باشبات و منظم خواهند بود. هنری، ساگر و پلاکت (۱۹۹۶) معتقدند در خانواده‌هایی که نوجوانان با استدلال‌های مثبت والدین مواجه اند و انسجام بیشتری را در محیط خانواده تجربه می‌کنند، در کنترل حالات هیجانی خود و دیدگاه گیری در ارتباط با دیگران، مطلوب‌تر عمل می‌کنند. این نوجوانان کمتر احتمال دارد در کنترل عواطف منفی خود از روشهای غیرانطباقی استفاده کنند و به نشانگان بروني‌سازی یا درونی‌سازی مبتلا شوند.

نکته جالبی که درباره مؤلفه انسجام وجود دارد، این است که ارتباط تأیید شده در پژوهش بلوم، ایرلن و بلوم (۲۰۰۳)، میان انسجام و نشانگان بروني‌سازی با توجه به عامل جنسیتی، بار دیگر در این پژوهش مورد تأیید قرار گرفته است. پژوهشگران مذکور اذعان داشته اند، انسجام عاطفی ضعیف، یکی از عوامل خطرساز خانوادگی است که در دختران بیش از پسران با رفتارهای پرخاشگرانه مرتبط است. در این پژوهش ارتباط میان انسجام و رفتارهای پرخاشگرانه برای دختران و پسران به ترتیب ۰/۲۸ و ۰/۲۵ به دست آمده است.

نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد، تعارض پایین به عنوان یکی از تجارب درونی افراد در محیط‌های اجتماعی و خانوادگی، هم با نشانگان درونی‌سازی و هم با نشانگان بروني‌سازی از ارتباطی معنادار برخوردار است. تعارضات خانوادگی از ویژگیهایی است که همواره در توصیف یک محیط نامطلوب خانوادگی بر آن تأکید می‌شود. سطح بالای تعارض تأثیر متقابلی بر مشکلات ارتباطی خانواده می‌گذارد و سبب تداوم آن مشکلات می‌شود. تعاملات ضعیف، درک اعضا را از یکدیگر کاهش می‌دهد و سبب می‌شود که برای ارضای نیازهای خود از هم دیگر حمایت نکنند. سطح بالای تعارض و کنترل غیر مؤثر آن به این معنا است که مسائل مهم در روابط حل نشده باقی می‌مانند و غالباً منشأ تعارضهای تکراری می‌شوند. در بسیاری از محیط‌های خانوادگی تعارض

برانگیز، همیشه بحثهای مشابه یا یکسانی پیرامون موضوعی معین وجود دارد که سرانجام هم مشکلی حل نمی شود.

استوز لوپز و همکاران (۲۰۰۸) خانواده‌های تعارض برانگیز را محیطی می دانند که در آنها رشد مهارت‌های اجتماعی کودکان دچار وقعه می شود و آنها را در روابط میان - فردی با مشکلاتی مواجه می سازد. به این ترتیب تعارض در خانواده مانع از شناسایی راه حل‌های غیر پرخاشگرانه یا غیرفعالی در برابر مسائل میان - فردی می شود و نوجوان را در برابر دشواری‌های ارتباطی خلع سلاح می کند. با توجه به یافته‌های حاصل از مطالعه حاضر، تعارض در میان نوجوانان دختر بیشتر از نوجوانان پسر با نشانگان درونی‌سازی، و به عکس کمتر از پسران با مشکلات برونوی‌سازی در ارتباط است. این مسئله شیوع زیاد اختلالات خلقی در میان دختران و همچنین شیوع زیاد اختلالات رفتاری را در میان پسران توجیه‌پذیر می کند.

با وجود اینکه بعد پر تکاپویی / تفریحی مداری در محیط خانواده، هر دو نشانگان درونی‌سازی و برونوی‌سازی را پیش‌بینی می کند، اما ارتباط آن با نشانگان درونی‌سازی از شدت بیشتری برخوردار و در میان دختران قوی‌تر از پسران است. این بعد از ویژگی‌های خانواده با مسائلی مانند داشتن سرگرمی، شرکت در دوره‌های آموزشی فوق برنامه، ورزش، و شرکت در مهمانیها سر و کار دارد. به گونه‌ای که میزان سلامت در خانواده‌هایی که برنامه‌های مفرح و متنوعی برای گذران اوقات فراغت خود و فرزندانشان دارند، بیشتر از دیگرانی است که چنین برنامه‌هایی ندارند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می دهد که در تبیین شدت ارتباط یادشده در میان دختران، در مقایسه با پسران چون تفریحات خارج از محدوده خانواده کمتر است، بنابراین این خانواده است که باید برای پرکردن اوقات فراغت نوجوان برنامه‌ریزی‌های مناسب و کافی داشته باشد.

بررسی نقش پیش‌بینی‌کننده جنسیت در مورد نشانگان درونی و برونوی‌سازی به نتیجه‌های معنادار اشاره دارد. همان گونه که از یافته‌ها بر می‌آید، نوجوانان پسر نسبت به نوجوانان دختر در برابر نشانگان برونوی‌سازی آسیب پذیرتر و نوجوانان دختر نیز نسبت به نوجوانان پسر در برابر نشانگان درونی‌سازی آسیب پذیرتر بودند. این یافته‌ها در پژوهش‌های گوناگون نیز تأیید شده‌اند (به عنوان مثال: مفیت، ۱۹۹۳؛ ریتز و همکاران، ۲۰۰۵؛ مارکوت، مارکوت و بوفارد، ۲۰۰۲).

در پژوهش حاضر، کترول و پیشرفت مداری تنها نشانگان درونی‌سازی را پیش‌بینی می کنند. بر اساس یافته این پژوهش، بالا بودن میزان کترول پسران در محیط خانواده با میزان بالا بودن نشانگان درونی‌سازی ارتباط ندارد، اما در میان دختران از رابطه‌ای معنادار برخوردار است. در مقابل، میزان

بالای کتترل در خصوص نوجوانان پسر با نشانگان بروني‌سازی رابطه معکوس دارد. یعنی پايانين بودن ميزان کتترل در محيط خانواده ممکن است با افزايش نشانگان بروني‌سازی نوجوانان پسر همراه باشد. خانواده‌های پيشرفت مدار با فراهم کردن شرایط مطلوب‌تر و قرار دادن امکانات لازم در اختيار فرزندان خود می‌توانند از بروز بسياری از احساسات انزواگرایانه در آنها پيشگيري کنند. بر اساس نتایج اين مطالعه، دو متغير اخلاقی - مذهبی مداری و بيانگری اگر چه نتوانستند نشانگان درونی‌سازی را پيش‌بینی کنند، اما در پيش‌بینی نشانگان بروني‌سازی نقش دارند. از نظر منطقی نقش اخلاق و مذهب در پيشگيري از بروز رفتارهای پرخاشگرانه و قانون شکنی بسيار چشمگير است. در خانواده‌هایی که اخلاق و مذهب، جايگاه مطلوبی دارد، نوجوانان با نهادينه سازی ارزش‌های اخلاقی و مذهبی در برابر مشکلات و ناکامیها، رویکردهای غير پرخاشگرانه بروز می‌دهند. خانواده‌هایی که از بيان احساسات و افكار اعضا خود حمایت می‌کنند با تسهيل بخشيدن به شرایط گفت و شنودی در میان افراد به افزايش كيفيت روابط ميان- فردی آنان ياري می رسانند. بدويهی است در چنین شرایطي از روش‌های ناخوشایند ابراز هیجان مثل پرخاشگری مستقيم و رفتارهای تخریب گرانه کمتر استفاده می‌شود.

با توجه به اينکه آمارهای مربوط به افسردگی، اضطراب، پرخاشگری و اعتیاد در میان نوجوانان از وضعیت رضایت بخشی حکایت ندارند (ضرغام، ۱۳۸۰؛ خانمحمدی، ۱۳۷۹)، به نقل از پرویزی و همکاران، (۱۳۸۴)، بنابراین بر اساس یافته‌های حاصل از اين پژوهش خانواده از جمله نهادهایی است که باید مورد توجه پژوهشگران در این زمینه قرار بگیرد. توجه مسئولان به امر خطير آموزش و پرورش در برقراری ارتباط میان خانه و مدرسه، و ياري رساندن به نوجوانان برای مصون ماندن از آسیبهای ناشی از محیط‌های خانوادگی آشفته راهبردی مؤثر در کاهش آسیبهای روانی است. در تعیيم یافته‌های پژوهش حاضر باید به محدود بودن جامعه آماری آن به مناطق شهری، محدود بودن ابزار گردآوري اطلاعات به روش پرسشنامه و نگاهی صرفاً کمی به تحليل داده‌ها توجه داشت. بر اساس یافته‌های اين پژوهش افزايش برنامه‌های با كيفيت آموزش خانواده در مدارس برای پيشگيري از اختلالات عاطفي - رفتاري و توجه به بافت خانواده در جريان مشاوره و روان- درمانی نوجوانان پيشنهاد می‌شود.

## منابع

- پرویزی، سرور؛ احمدی، فضل الله و نیکبخت نصرآبادی، علیرضا. (۱۳۸۴). از هویت تا سلامت: تبیین تئوریک مفهوم سلامتی از دیدگاه نوجوانان. *طب و تزکیه*، سال ۴، ۲۷-۳۷.
- ضرغام بروجنی، علی؛ یزدانی، محسن و یزدان نیک، احمد رضا. (۱۳۸۰). ارتباط الگوی رفتاری والدین و افکار خودکشی در نوجوانان. *مجله دانشگاه علوم پزشکی شهر کرد*، دوره ۳، شماره ۲، ۴۶-۵۴.
- مینایی، اصغر. (۱۳۸۵). انطباق و هنجاریابی سیاهه رفتاری کودک آخنباخ، پرسشنامه خودسنجی و فرم گزارش معلم. *پژوهش در حیطه کودکان استثنایی*، جلد ۱۹، سال ۶، شماره ۱، ۵۲۹-۵۵۸.
- Achenbach, T. M., & Rescorla, L. A. (2001). *Manual for the ASEBA school-age forms & profiles*. Burlington, VT: University of Vermont Research Center for Children, Youth, & Families.
- Blum, J., Ireland, M., & Blum, R. W. (2003). Gender differences in juvenile violence. *Journal of Adolescent Health*, 32, 234-240.
- Compas, B., Ey, S., & Grant, K. (1993). Taxonomy, assessment, and diagnosis of depression during adolescence. *Psychological Bulletin*, 114, 323-344.
- Cox, M. J., Wang, F., & Gustafsson, H. C. (2011). Family organization and adolescent development. In B. B. Brown, & M. J. Prinstein (Eds.), *Encyclopedia of adolescence*, Vol. 2, (pp. 75-83). London: Academic Press.
- Deković, M., Buist, K., & Reitz, E. (2004). Stability and changes in problem behavior during adolescence: Latent growth analysis. *Journal of Youth and Adolescence*, 33, 1-12.
- Estevez Lopez, E., Murgui Perez, S., Musitu Ochoa, G., & Moreno Ruiz, D. (2008). Adolescent aggression: Effects of gender and family and school environments. *Journal of Adolescence*, 31, 433-450.
- Henry, C. S., Sager, D. W., & Plunkett, S. W. (1996). Adolescents' perceptions of family system characteristics, parent-adolescent dyadic behaviors, adolescent qualities, and adolescent empathy. *Family Relations*, 45, 283-292.
- Kleinjan, M., & Engels, R. C. M. E. (2011). Addictions in Adolescence. In B. B. Brown & M. J. Prinstein (Eds.), *Encyclopedia of adolescence*, Vol. 2, (pp. 1-10). London: Academic Press.
- Liu, J. (2004). Childhood externalizing behavior: Theory and implications. *Journal of Child and Adolescent Psychiatric Nursing*, 17, 93-103.
- Marcotte, G., Marcotte, D., & Bouffard, T. (2002). The influence of familial support and dysfunctional attitudes on depression and delinquency in an adolescent population. *European Journal of Psychology of Education*, 17(4), 363-376.
- Moffitt, T. E. (1993). Adolescence-limited and life-course-persistent antisocial behavior: A developmental taxonomy. *Psychological Review*, 100(4), 674-701.
- Moshtaghi Bidokhti, N., Yeke Yazdandoost, R., Birashk, B. & Schottenfeld, R.S. (2006). Family environment of detoxified opiate addicts in Iran and its relationship with symptoms of anxiety and depression. *Contemporary Family Therapy*, 28(1), 153-164.
- Nguyen, C., Fournier, L., Bergeron, L., Roberge, P., & Barrette, G. (2005). Correlates of depressive and anxiety disorders among young Canadians. *The Canadian Journal of Psychiatry*, 50, 620-628.

- Paley, B., Conger, R. D., & Harold, G. T. (2000). Parents' affect, adolescent cognitive representations, and adolescent social development. *Journal of Marriage & the Family*, 62(3), 761–776.
- Reitz, E., Deković, M., & Meijer, A. (2005). The structure and stability of externalizing and internalizing problem behavior during early adolescence. *Journal of Youth and Adolescence*, 34(6), 577-588.
- Rotheram-Borus, M. J., Swendeman, D., Amani, B., Applegate, E., Milburn, N. G., & Arnold, E. M. (2011). AIDS. In B. B. Brown & M. J. Prinstein (Eds.), *Encyclopedia of adolescence*, Vol. 3, (pp. 30-40). London: Academic Press.
- Saucier, G., Wilson, K. R., & Warka. J. (2007). The structure of retrospective accounts of family environments: Related to the structure of personality attributes. *Journal of Personality Assessment*, 88(3), 295-308.
- Singh, J., Mittra, R., & Upadhyay, Sh. (2010). Self-concept in relation to family environment: A comparative study of Slum and Urban School children. *Indian Journal Social Science Researches*, 7(2), 82-91.
- Woehr Pletcher, S. M. (2008). *The impact of perceived family cohesiveness and future orientation on internalizing and externalizing symptoms of Latino/a youth offenders: A moderator model*. Unpublished doctoral dissertation. University of California, Santa Barbara.
- Zahn-Waxler, C., Klimes-Dougan, B., & Slattery, M. (2000). Internalizing problems of childhood and adolescence: Prospects, pitfalls, and progress in understanding the development of anxiety and depression. *Development and Psychopathology*, 12, 443-466.
- Zhang, Y., Li, H., & Zou, Sh. (2011). Association between cognitive distortion, type D personality, family environment, and depression in Chinese adolescents. *Depression Research and Treatment*, 2011(143045), 1–8.